

# Structural Equation Modeling of Temperament and Character with Mediation of Psychological Vulnerability on Women's Emotional Divorce Referred to Consulting Centers of Babol City

Yaghoubi Hasankola Gh<sup>1</sup>, \*Homayouni A<sup>2</sup>, Yarahmadi Y<sup>1</sup>, Moradi O<sup>1</sup>

## Author Address

1. Department of Psychology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran;  
2. Department of Psychology, Bandargaz Branch, Islamic Azad University, Bandargaz, Iran.

\*Corresponding Author E-mail: [homaionyc@gmail.com](mailto:homaionyc@gmail.com)

Received: 2020 September 8; Accepted: 2020 October 18

## Abstract

**Background & Objectives:** Emotional divorce is the first stage in the formal divorce process and indicates a deteriorating relationship in which a feeling of alienation prevails between the couple. If in the past less attention was paid to emotional divorce and its consequences, perhaps one of the reasons is that the number of cases of emotional divorce has not been as much as today. Lack of intimacy with the spouse has the greatest impact on emotional divorce, and the coldness of relationships and the decrease in relationships between couples is mostly due to the unfulfilled expectations between couples. Among the factors that can affect emotional boredom and eventually emotional divorce are personality traits in different dimensions of nature and secretary. The aim of this study was to model the structural relationships between nature and character through the mediation of psychological vulnerability on emotional divorce of women referring to counseling centers in Babol.

**Methods:** In terms of purpose, this research was applied and in terms of method, descriptive correlation along with structural equations. The statistical population of this study was all women aged 20 to 40 years who referred to 5 counseling centers in cooperation with the Department of Justice in Babol in 2019 to receive divorce-related services. Based on the variables in the conceptual model (24 observed variables) in the present study, 432 people were selected. Accordingly, in this study, 432 people were selected as the sample size in a purposeful manner (according to the criteria of referring to divorce counseling centers of the Office of Justice). Criteria for entering the research are complete satisfaction for cooperating in the research and completing the questionnaire, at least one year of married life and the criterion for leaving the research was not completing the questionnaire. To collect information, the Emotional Divorce Questionnaires (Mohammadi et al., 2017), Temperament and Character Inventory (TCI) (Cloninger et al., 1994) and Symptom Checklist (SCL-25) (Najarian & Davoodi, 2001) were used as research tools. In the present study, descriptive statistics were used to categorize the subjects' individual characteristics in order to calculate the frequency, percentage, mean and standard deviation. Also, inferential statistics were used in this research including Pearson correlation coefficient and model of structural equations in SPSS.22 and AMOS.22 software were used. Significance level in this study was considered 0.05.

**Results:** The findings showed that the direct path coefficient between nature and emotional divorce ( $p < 0.001$ ,  $\beta = -0.371$ ), and the direct path coefficients between character and emotional divorce ( $p < 0.001$ ,  $\beta = -0.324$ ) was negative and significant and the direct path coefficient between psychological vulnerability and emotional divorce ( $p < 0.001$ ,  $\beta = 0.336$ ) were positive and significant. Also, good fit indicators showed psychological vulnerability in the relationship between Temperament and emotional divorce played a mediating role (AGFI=0.93, RMSEA=0.045, GFI=0.95, CFI=0.96).

**Conclusion:** Based on the findings of this study is concluded that temperament and character have an effect on emotional divorce through the mediation of psychological vulnerability. The results of this study can be useful for specialists in the field of psychology and justice centers.

**Keywords:** Temperament, Character, Psychological injury, Emotional divorce.

## مدل‌یابی روابط ساختاری سرشت و منش با میانجیگری آسیب‌پذیری روانی بر طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل

قاسم یعقوبی حسنگلا<sup>۱</sup>، \*علیرضا همایونی<sup>۲</sup>، یحیی یاراحمدی<sup>۱</sup>، امید مرادی<sup>۱</sup>

توضیحات نویسندگان

۱. گروه روان‌شناسی، واحد سمنج، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنج، ایران؛  
 ۲. گروه روان‌شناسی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران.  
 \*رأباناامه نویسنده مسئول: [homaiony@gmail.com](mailto:homaiony@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۸ شهریور ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۲۷ مهر ۱۳۹۹

### چکیده

**زمینه و هدف:** طلاق عاطفی عامل مهم‌تر از هم‌گسیختگی ساختار بخش بنیادی‌تر جامعه، یعنی خانواده است. هدف پژوهش حاضر، مدل‌یابی روابط ساختاری سرشت و منش با میانجیگری آسیب‌پذیری روانی بر طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل بود.

**روش بررسی:** این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی همبستگی همراه با معادلات ساختاری بود. جامعه آماری را تمامی زنان ۲۰ تا ۴۰ ساله مراجعه‌کننده برای دریافت خدمات مرتبط با طلاق به پنج مرکز مشاوره تحت همکاری با اداره دادگستری در شهر بابل در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند که در مجموع، ۴۳۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه طلاق عاطفی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶) و پرسش‌نامه سرشت و منش (کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۴) و پرسش‌نامه نشانه‌های اختلالات روانی (نجاریان و داوودی، ۱۳۸۰) به‌عنوان ابزار پژوهش استفاده شد. تحلیل داده‌های پژوهش از طریق ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۲ صورت گرفت. سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد، ضریب مسیر مستقیم بین سرشت با طلاق عاطفی ( $\beta = -0.371, p < 0.001$ ) و ضریب مسیر مستقیم بین منش با طلاق عاطفی ( $\beta = 0.011, p < 0.001$ )، منفی و معنادار بود؛ همچنین ضریب مسیر مستقیم بین آسیب‌پذیری روانی با طلاق عاطفی ( $\beta = 0.336, p < 0.001$ ) مثبت و معنادار بود. همچنین شاخص‌های نکوئی برازش مشخص کرد، آسیب‌پذیری روانی در رابطه بین سرشت و منش و طلاق عاطفی نقش میانجی ایفا کرد ( $GFI = 0.95, RMSEA = 0.045, AGFI = 0.93$ )،  $(CFI = 0.96)$ .

**نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، سرشت و منش با میانجیگری آسیب‌پذیری روانی بر طلاق عاطفی تأثیر دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای متخصصان حیطه‌های روان‌شناسی و مراکز دادگستری مفید باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سرشت، منش، آسیب روانی، طلاق عاطفی.

شامل نمی‌شود (۸). الگوی آسیب‌پذیری روانی از روابط مبتنی بر نقصان یا مشکل در یک یا چند حوزه از کارکرد روانی عاطفی شامل کارکرد عمومی (برای مثال هشیاری، جهت‌یابی، هوش یا سرشت و منش) یا کارکردهای اختصاصی (برای مثال توجه، حافظه، عواطف، ادراک و تفکر) است؛ اما محدود به این حوزه‌ها نیست (۹). هنگامی که فرد در دریافت و ادراک حمایت‌های ارتباطی از جانب همسر خود با مشکلات بسیاری مواجه می‌گردد، سبب می‌شود وی در ابعاد عاطفی دچار خلأهایی شود که بیان‌کننده نقص خاص در عملکرد روانی و به تبع آسیب‌پذیری روانی است؛ همچنین فرد در توصیف یا آگاهی از عواطف و خلُق خویش در روابط با همسر خود ناتوان می‌شود و درصدد کاهش ارتباط برمی‌آید و گاهی می‌تواند ارتباطات فرازناشویی را به دنبال داشته باشد (۱۰). کیکلوت‌گلاسر<sup>۱۱</sup> نشان داد، آسیب‌پذیری روانی در زوجین از عوامل خطری است که می‌تواند ایمنی بخشی رابطه زوجین را کم کند و احتمال وقوع جدایی را در افراد افزایش دهد (به نقل از ۱۱).

یعقوبی و همکاران در پژوهشی با بررسی مدل‌یابی روابط ساختاری سرشت و منش با میانجیگری وابستگی شبکه اجتماعی بر میزان طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل دریافتند. نتایج نشان داد، بین خلُق و خو و ویژگی‌های شخصیت و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد (۶). همچنین اسلنکووا و همکاران در پژوهشی با ارزیابی تأثیر سبک مقابله‌ای و هوش هیجانی بر رابطه بین اختلال استرس پس از سانحه، مشکل سازگاری و آسیب روانی با طلاق عاطفی نشان دادند، مشکل سازگاری و آسیب روانی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معناداری دارد (۱۲).

به‌طور کلی باتوجه به نقش بسیار حساس وضعیت زناشویی در عملکرد کلی زن و مرد در سطح نخست، تأثیر مستقیم این تعاملات بر فرزندان می‌تواند با شکل‌های متفاوتی همچون سبک‌های فرزندپروری نامناسب، ارتباطات ناهنجار و تعارضات بین فردی بروز کند و منجر به ایجاد وضعیت عملکردی نامناسب در خانواده شود. از طرفی، در زوجینی که در روابط تنش دارند، وقتی تحمل کافی از ابعاد متفاوت همچون نشانه‌های عاطفی همانند خشم، ترس و... دوجانبه در خصوص فشارهای زندگی برقرار نیست، آسیب‌های شخصی و بین فردی بیشتری در روابط ایجاد می‌شود و نتیجه آن می‌تواند فروپاشی نظام خانواده و آسیب‌دیدگی دوجانبه فرزندان در آن خانواده و در نهایت طلاق رسمی باشد (۱۳)؛ بنابراین باتوجه به مطالب مذکور ضروری است که مبحث طلاق عاطفی به‌عنوان موضوعی مهم از لحاظ علمی بررسی شود و از زوایای جدید و با ترکیبی از مباحث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به آن اشاره گردد و بررسی عوامل مؤثر بر آن صورت گیرد؛ بنابراین ضروری است که به بررسی ابعاد زمینه‌ای مانند سرشت و منش باتوجه به مباحث عاطفی که از مقدمات جدایی و طلاق است،

طلاق عاطفی<sup>۱</sup> اولین مرحله در فرایند طلاق رسمی و بیانگر رابطه رو به زوال است که در آن احساس بیگانگی میان زوجین حاکم می‌شود (۱). اگر در گذشته کمتر به طلاق عاطفی و عواقب و پیامدهای آن پرداخته شده، شاید یکی از دلایل این باشد که تعداد طلاق عاطفی به اندازه امروز نبوده است (۲). تاکنون برآوردی از نرخ طلاق عاطفی از سوی سازمان‌های مسئول ارائه نشده است؛ اما در برخی منابع گفته می‌شود که میزان طلاق عاطفی دوبرابر طلاق قانونی است (۳). فقدان صمیمیت با همسر بیشترین تأثیر را بر طلاق عاطفی دارد و سردی روابط و کاهش روابط میان زوجین بیشتر به دلیل برآورده نشدن انتظارات در بین زوج‌ها است. از عواملی که می‌تواند در دل‌زدگی عاطفی و در نهایت طلاق عاطفی تأثیر داشته باشد، ویژگی‌های شخصیتی در ابعاد متفاوت سرشتی و منشی<sup>۲</sup> است (۴).

عامل سرشتی پاداش و ابستگی<sup>۳</sup> بیانگر خصوصیتی چون احساساتی بودن است. بُعد پشتکار شامل اشتیاق به تلاش در پاسخ به نشانه‌های پاداش احتمالی می‌شود (۵). ویژگی سرشتی نه تنها تعیین‌کننده حالات روانی و هیجانی است، بلکه می‌تواند کیفیت روابط زوجین و همچنین تعاملات سازگاران با فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این کیفیت‌های ارتباطی از سرشت افراد تعیین‌کننده مهمی از احتمال وقوع یا نبودن طلاق عاطفی و روانی در خانواده است. پیامدهای طلاق عاطفی یعنی ازدست‌دادن عشق و احترام همسر و شکستن رابطه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین خواهد شد (۶). این نوع ارتباط باعث اضطراب<sup>۴</sup>، بروز نشانه‌هایی شبیه به اختلال استرس پس از سانحه<sup>۵</sup> و نیز احساساتی مانند افسردگی<sup>۶</sup>، خشم<sup>۷</sup>، ناامیدی<sup>۸</sup>، نبود اعتماد به نفس<sup>۹</sup>، ازدست‌دادن هویت<sup>۱۰</sup> و احساس بی‌ارزشی<sup>۱۱</sup> در همسر زخم‌خورده و نیز سبب بروز احساس تردید<sup>۱۲</sup>، افسردگی، عذاب وجدان<sup>۱۳</sup> و حتی گاهی خودکشی<sup>۱۴</sup> در همسر عهدشکن می‌شود (۷). به‌علاوه تحقیقات رابطه علائم افسردگی و اضطراب را در زوج آسیب‌دیده با طلاق عاطفی و افزایش پریشانی روان‌شناختی<sup>۱۵</sup> و آسیب‌پذیری<sup>۱۶</sup> فرد را در ابعاد جسمانی و روانی نشان می‌دهد (۷).

در پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی<sup>۱۷</sup>، آسیب‌پذیری روانی را به‌عنوان الگو یا نشانه‌گان روان‌شناختی<sup>۱۸</sup> یا رفتاری در زمینه عاطفی هیجانی که در فرد رخ می‌دهد، مطرح می‌کنند. این الگو یا نشانه‌گان منعکس‌کننده بدکارکردی روان‌شناختی زیربنایی است و پیامدهای آن ناتوانی یا پریشانی عاطفی بالینی معنادار است (۸). این نشانه‌گان پاسخ انتظار داشته به عامل استرس‌زای عمومی نیست و فقدان (برای مثال ازدست‌دادن فرد موردعلاقه) یا پاسخ فرهنگی تأییدشده به رویدادی خاص (برای مثال حالت‌های خلسه در آیین‌های مذهبی) را

<sup>11</sup>. Feeling worthless

<sup>12</sup>. Feeling hesitant

<sup>13</sup>. Feel guilty

<sup>14</sup>. Suicide

<sup>15</sup>. Psychological distress

<sup>16</sup>. Vulnerability

<sup>17</sup>. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition (DSM-5)

<sup>18</sup>. Psychological symptoms

<sup>19</sup>. Kiecolt-Glaser

<sup>1</sup>. Emotional divorce

<sup>2</sup>. Temperament and character

<sup>3</sup>. Natural factor of reward and dependence

<sup>4</sup>. Anxiety

<sup>5</sup>. Post-Traumatic Stress Disorder

<sup>6</sup>. Depression

<sup>7</sup>. Anger

<sup>8</sup>. Disappointment

<sup>9</sup>. Lack of confidence

<sup>10</sup>. Loss of identity

پرداخته شود. علاوه بر آن طلاق و جدایی تنش‌زا است و امکان دارد به افزایش استرس و کاهش بهزیستی روانی زوجین منجر شود. ازسویی با مشخص کردن متغیرهای پیش‌بینی‌کننده طلاق، از رخداد طلاق که در کشور رو به افزایش است، پیشگیری صورت گیرد. باتوجه به مطالب ذکرشده، هدف پژوهش حاضر، مدل‌یابی روابط ساختاری سرشت و منش با میانجیگری آسیب‌پذیری روانی بر طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل بود.

## ۲ روش‌بررسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی همبستگی همراه با معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زنان ۲۰ تا ۴۰ ساله مراجعه‌کننده برای دریافت خدمات مرتبط با طلاق به پنج مرکز مشاوره تحت همکاری با اداره دادگستری در شهر بابل در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. در انتخاب حجم نمونه در پژوهش مدل‌یابی معادلات ساختاری به‌ازای هر متغیر آشکار ۱۰ تا ۱۵ نفر نیاز است (۱۴) که براساس متغیرهای موجود در مدل مفهومی (۲۴ متغیر آشکار) در پژوهش حاضر، ۴۳۲ نفر تعیین شد. بر همین اساس در این پژوهش ۴۳۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌روش هدفمند (باتوجه به ملاک مراجعه‌کننده برای طلاق به مراکز مشاوره اداره دادگستری) انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش عبارت بود از: رضایت کامل برای همکاری در پژوهش و تکمیل پرسش‌نامه؛ گذشت حداقل یک سال از زندگی زناشویی. ملاک خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش نیز تکمیل نکردن پرسش‌نامه بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح ذیل بود: به شرکت‌کنندگان درباره هدف پژوهش و کارکرد پژوهش و... اطلاعاتی به‌شکل کتبی ارائه شد و افراد در صورت تمایل در پژوهش مشارکت کردند؛ این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده می‌شوند؛ به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای زیر به‌کار رفت.

– پرسش‌نامه طلاق عاطفی<sup>۱</sup>: پرسش‌نامه طلاق عاطفی توسط محمدی و همکاران در سال ۱۳۹۶ طراحی شد (۱۵). این پرسش‌نامه ۳۶ گویه دارد و دارای ابعاد انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری، واکنش عاطفی، آمیزش عاطفی، قدرت و منابع، فقدان و افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدودکردن و مشکلات جنسی است. هرکدام از ابعاد چهار سؤال دارد که با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (هرگز تا همیشه) اندازه‌گیری می‌شود و هر ماده دارای ارزشی بین صفر تا ۴ است. با سؤالاتی مانند (من/همسرم یکدیگر را مقصر اصلی مشکلات زندگی مان می‌دانیم) طلاق عاطفی سنجیده می‌شود. این مقیاس، چندین بُعد طلاق عاطفی را می‌سنجد و طیف امتیاز کلی فرد بین صفر و ۳۶ است. امتیاز بیشتر، نشان‌دهنده وجود میزان طلاق عاطفی بیشتر است؛ بنابراین، امتیاز بیشتر از ۱۸ (به‌طور میانگین) برای کل پرسش‌نامه و بیشتر از ۲ (به‌طور میانگین) برای هر متغیر نشان‌دهنده

طلاق عاطفی بیشتر از میانگین در زندگی است (۱۵). در پژوهش محمدی و همکاران، پایایی به‌روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های انتقاد و سرزنش ۰/۸۳، سکوت و جبهه‌گیری ۰/۷۶، واکنش عاطفی ۰/۷۶، آمیزش عاطفی ۰/۸۶، قدرت و منابع ۰/۸۴، فقدان و افسردگی و سرخوردگی ۰/۸۸، زاویه سوم ۰/۸۶، محدودکردن ۰/۷۴ و مشکلات جنسی ۰/۹۰ به‌دست آمد (۱۵).

– پرسش‌نامه سرشت و منش<sup>۲</sup>: پرسش‌نامه سرشت و منش توسط کلونینجر و همکاران در سال ۱۹۹۴ تهیه شد و شامل ۱۲۵ جمله است که فرد با پاسخ صحیح و غلط به‌گزینه‌ها، پرسش‌نامه را تکمیل می‌کند (۱۶). این پرسش‌نامه براساس الگوی همگانی ساخته شد که شخصیت بهنجار و نابهنجار را در بر می‌گیرد. این پرسش‌نامه برای سنجش خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی است که یا از طریق وراثت (سرشت) یا از طریق محیط (منش) در فرد وجود دارد (۱۶). کلونینجر و همکاران مدل عصبی‌زیستی خود را برای توضیح مؤلفه‌های سرشت ارائه کردند. پرسش‌نامه سرشت و منش دارای چهار خرده‌مقیاس سرشت شامل نوجویی، آسیب‌گریزی، پاداش وابستگی و پشتکار و سه خرده‌مقیاس منش شامل همکاری و خودهدایتی و خودفراروی است (۱۶). این پرسش‌نامه برای نخستین بار توسط کاویانی و پورناصح در ایران، استفاده شد. آن‌ها در نسخه ایرانی ضریب پایایی را برای نوجویی ۰/۹۶، آسیب‌گریزی ۰/۹۱، پاداش وابستگی ۰/۶۱، پشتکار ۰/۷۶، همکاری ۰/۹۵، خودراهبری ۰/۸۵ و خودفراروی ۰/۸۸ و پایایی برای سرشت ۰/۸۳ و برای منش ۰/۸۰ به‌دست آوردند (۱۷). در پژوهش حاضر نیز با استفاده از محاسبه، ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد و ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۵ بود.

– پرسش‌نامه نشانه‌های اختلالات روانی<sup>۳</sup>: پرسش‌نامه نشانه‌های اختلالات روانی توسط نجاریان و داوودی در سال ۱۳۸۰ ساخته شد (۱۸). این پرسش‌نامه ۲۵ ماده دارد که روی طیفی پنج‌درجه‌ای از نمره صفر تا چهار ثبت می‌شود. این پرسش‌نامه را پرسش‌نامه سلامت روانی می‌دانند؛ ولی در واقع این پرسش‌نامه به اندازه‌گیری آسیب‌شناختی روانی فرد می‌پردازد که هشت عامل اصلی شکایات جسمانی، وسواس فکری و عملی، حساسیت میان‌فردی، افسردگی، اضطراب، اضطراب فوییک مرضی، افکار پارانوئیدی و روان‌پریشی را در یک هفته گذشته ارزیابی می‌کند. در پرسش‌نامه هرچه نمره‌های فرد کمتر باشد، نشانه سلامت روانی و نمرات بیشتر نشانه نداشتن سلامت روانی فرد است. میانگین ۲ و بیشتر در نمرات خام کل پرسش‌نامه، نشانه وجود علائم جدی در نظر گرفته می‌شود (۱۸). پایایی این پرسش‌نامه از طریق محاسبه همسانی درونی در نمونه‌های دختر ۰/۹۷ و در نمونه‌های پسر ۰/۹۸ به‌دست آمد. ضریب اعتبار به‌شیوه بازآزمایی در نمونه‌ای ۳۱۲ نفری به فاصله پنج هفته در کل نمونه ۰/۷۸ گزارش شد (۱۹).

مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است. در پژوهش حاضر از آمار توصیفی برای دسته‌بندی مشخصات فردی آزمودنی‌ها به‌منظور محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد.

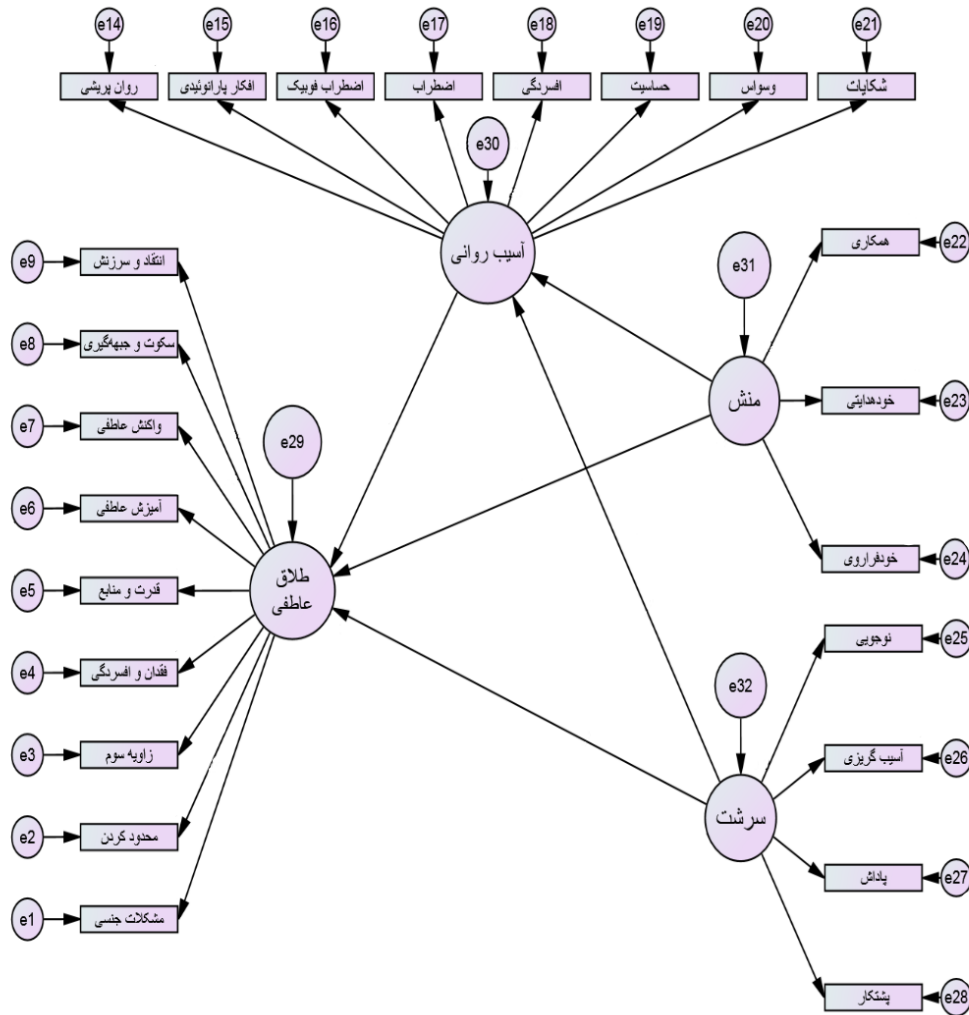
1. Emotional Divorce Questionnaire

2. Temperament and Character Inventory (TCI)

3. Symptom Checklist (SCL-25)

مطلوب را نشان می‌دهد. اگر شاخص‌های CFI، AGFI، GFI بزرگ‌تر از ۰/۹۵ و شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد بر برازش بسیار مطلوب و بسیار خوب دلالت دارد و اگر شاخص‌های CFI، AGFI، GFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد، بیانگر برازش مطلوب و خوب است (۲۰). تحلیل داده‌های پژوهش در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۲ صورت گرفت. سطح معناداری در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

همچنین در این پژوهش آمار استنباطی به‌کار رفت. از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای تشخیص نرمال بودن داده‌ها و از ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در راستای برازندگی الگوی پیشنهادی، بررسی شاخص مجذور خی بر درجه آزادی<sup>۱</sup>، شاخص نکویی تطبیقی<sup>۲</sup> (CFI)، شاخص نکویی برازش<sup>۳</sup> (GFI)، شاخص نکویی برازش تطبیقی<sup>۴</sup> (AGFI) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب<sup>۵</sup> (RMSEA) صورت گرفت. اگر شاخص نسبت مجذور خی بر درجه آزادی، کوچک‌تر از ۳ باشد برازش بسیار



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

تعداد ۱۴۱ نفر (۳۲/۶ درصد) بین یک تا پنج سال، ۱۸۹ نفر (۴۳/۷ درصد) بین شش تا ده سال و ۱۰۲ نفر (۲۳/۷ درصد) بیش از ده سال از مدت ازدواجشان گذشته بود. به‌منظور بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش، آزمون کولموگروف اسمیرنوف به‌کار رفت. با توجه به اینکه آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای تمام متغیرها غیرمعنادار شد ( $p > 0/05$ )، فرض نرمالیتی متغیرهای سرشت و منش، آسیب‌پذیری

### ۳ یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر،  $6/6 \pm$  سال بود. تعداد ۱۲۴ نفر (۲۸/۸ درصد) تحصیلات کمتر از دیپلم، ۱۷۹ نفر (۴۱/۴ درصد) دیپلم و ۸۵ نفر (۱۹/۶ درصد) تحصیلات کارشناسی داشتند و ۴۴ نفر (۱۰/۲ درصد) نیز در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بودند. از نظر طول مدت ازدواج،

4. Adjusted goodness of fit index

5. Root mean square error of approximation

1.  $\chi^2/df$

2. Comparative fit index

3. Goodness of fit index

روانی و طلاق عاطفی رد نشد؛ بنابراین در ادامه ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری به کار رفت. برای شناسایی رابطه بین متغیرهای حاضر در مدل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۱. آمارهای توصیفی متغیر سرشت و منش، آسیب پذیری روانی و طلاق عاطفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار
نوجویی	۱۱/۹	۲/۱۳
آسیب‌گریزی	۸/۹	۱/۷۳
پاداش وابستگی	۷/۰	۱/۶۹
پشتکار	۱/۸	۰/۶۵
سرشت	۲۹/۷	۵/۷۹
همکاری	۱۴/۶	۲/۵۴
خودهدایتی	۱۲/۳	۲/۶۲۶
خودفراری	۶/۹	۱/۶۹
منش	۳۳/۹	۶/۳۵
شکایت جسمانی	۲۰/۳	۳/۶۷
وسواس فکری و عملی	۸/۰	۲/۹۸
حساسیت بین فردی	۷/۹	۲/۴۰
افسردگی	۶/۷	۱/۲۴
اضطراب	۱۱/۷	۱/۲۳
اضطراب فوبیک مرضی	۸/۰	۱/۴۸
افکار پارانوئیدی	۳/۴	۱/۰۸
روان‌پریشی	۷/۶	۰/۹۸
آسیب‌پذیری روانی	۷۷/۲	۱۱/۱۴
انتقاد و سرزنش	۷/۹	۱/۸۳
سکوت و جبهه‌گیری	۶/۷	۱/۸۲
واکنش عاطفی	۸/۳	۲/۴۰
آمیزش عاطفی	۷/۷	۱/۸۴
قدرت و منابع	۹/۰	۲/۲۲
فقدان و افسردگی و سرخوردگی	۹/۲	۱/۶۱
زاویه سوم	۴/۴	۱/۲۸
محدودکردن	۶/۷	۱/۸۳
مشکلات جنسی	۷/۴	۲/۴۲
طلاق عاطفی	۶۷/۷	۱۵/۴۲

نتایج همبستگی پیرسون نشان داد، بین سرشت با طلاق عاطفی و آسیب‌پذیری روانی، بین منش با طلاق عاطفی و آسیب‌پذیری روانی و نیز بین طلاق عاطفی با آسیب روانی همبستگی معنادار وجود داشت ( $p < ۰/۰۵$ )؛ به عبارت دقیق‌تر بین مؤلفه‌های آسیب‌پذیری روانی با

مؤلفه‌های طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معنادار و نیز بین مؤلفه‌های سرشت و منش با مؤلفه‌های طلاق عاطفی همبستگی منفی و معنادار مشاهده شد.

جدول ۲. ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش در الگوی پژوهش

متغیر	بتا	خطای معیار بتا	بتای استاندارد	مقدار احتمال
سرشت بر طلاق عاطفی	-۰/۵۸۱	۰/۰۴۴	-۰/۳۷۱	<۰/۰۰۱
منش بر طلاق عاطفی	-۰/۴۸۲	۰/۰۲۹	-۰/۳۲۴	<۰/۰۰۱
آسیب‌پذیری روانی بر طلاق عاطفی	۰/۴۹۳	۰/۰۳۱	۰/۳۳۶	<۰/۰۰۱

باتوجه به جدول ۲، ضریب مسیر مستقیم بین سرشت با طلاق عاطفی ( $\beta = -۰/۳۲۴, p < ۰/۰۰۱$ ) منفی و معنادار بود؛ همچنین ضریب مسیر مستقیم بین منش با طلاق عاطفی ( $\beta = -۰/۳۷۱, p < ۰/۰۰۱$ ) و ضریب مسیر مستقیم بین آسیب‌پذیری روانی با طلاق عاطفی



آسیب‌پذیری روانی (شکایت جسمانی، وسواس فکری عملی، حساسیت بین‌فردی، افسردگی، اضطراب، اضطراب فوبیک، افکار پارانوئیدی، روان‌پریشی) با مؤلفه‌های طلاق عاطفی (انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری، واکنش عاطفی، آمیزش عاطفی، قدرت و منابع، فقدان و افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدودکردن، مشکلات جنسی) همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت؛ همچنین مشخص شد، بین مؤلفه‌های سرشت و منش (نوجویی، آسیب‌گریزی، پاداش وابستگی، پشتکار، همکاری، خودهدایتی، خودفراوری) با مؤلفه‌های طلاق عاطفی (انتقاد و سرزنش، سکوت و جبهه‌گیری، واکنش عاطفی، آمیزش عاطفی، قدرت و منابع، فقدان و افسردگی و سرخوردگی، زاویه سوم، محدودکردن، مشکلات جنسی) همبستگی منفی و معنادار مشاهده شد. همچنین سرشت و منش با میانجیگری آسیب‌پذیری روانی بر طلاق عاطفی اثرگذار بودند. این نتایج با یافته‌های پژوهش یعقوبی و همکاران همسوست. آن‌ها دریافته‌اند، بین خلق و خو و ویژگی‌های شخصیت و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد (۶). همچنین این نتایج با یافته‌های مطالعه اسلنکووا و همکاران همسوست. آن‌ها نشان دادند، مشکل سازگاری و آسیب روانی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معناداری دارد (۱۲).

در تبیین نتایج پژوهش حاضر می‌توان از شواهد نظری و تجربی بهره گرفت. اگر ازدواج، قرارداد زندگی مشترک برای تکامل و وحدت و تأمین عمیق‌ترین حس نیاز بشر در نظر گرفته شود، وجود رابطه‌ای عاطفی، تطابقی و تعاملی سالم بین فردی از ملزومات تداوم و پایداری آن است (۲)؛ بنابراین منشاً توفیق‌نیافتن در دستیابی به هدف مذکور را باید در اختلاف عملکرد مکانیسم‌های پیچیده روابط مختلف و روان‌شناختی جست‌وجو کرد (۴). طلاق عاطفی و تعارضات، تهدیدهایی جدی برای زندگی زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشند و موجب بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره‌وری کم در کار ازجمله پیامدهای طلاق عاطفی برای بزرگسالان و احتمال فراوان بروز اختلال منش، اضطراب، افسردگی و بزهکاری است (۳).

در رابطه با تأثیر خصوصیات شخصیتی بر کیفیت ارتباط و تعلق عاطفی زوج‌ها می‌توان گفت، شخصیت، عامل تعیین‌کننده و اساسی در روابط بین‌فردی به‌شمار می‌رود. زوج‌های موفق، افرادی هستند که صفات شخصیتی مطلوبی دارند و این خصوصیات، ارتباط عاطفی آن‌ها را پیش از پیش عمیق‌تر می‌سازد (۲۰). در بین ویژگی‌های شخصیتی منشی، خودهدایتی یا خودآگاهی و شناخت خویشتن، از اهمیت خاصی برخوردار است. خودآگاهی، یکی از الزامات سازگاری اجتماعی به‌شمار می‌رود. آگاهی از افکار، عقاید و احساسات خود و نیز شناخت صحیح خویشتن می‌تواند روابط بین‌فردی را تنظیم کرده و به سازگاری کمک کند (۵). به بیان دیگر، هرچه میزان مسئولیت‌پذیری در زوجین بیشتر باشد، احتمال طلاق عاطفی میان آن‌ها کمتر است. مسئولیت‌پذیری ضمن اینکه پایبندی به خانواده و تعهد به همسر را به‌همراه دارد، امکان پذیرش نقش‌هایی را که به‌عنوان زن یا مرد بر عهده فرد گذاشته می‌شود، افزایش می‌دهد (۶)؛ ازاین‌رو، ازدواج جوانانی که

از نظر میزان مسئولیت‌پذیری دچار مشکل هستند، نتیجه‌ای جز افزایش تنش و درگیری در زندگی ندارد و منجر به فروپاشی خانواده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت، بسیاری از عواملی که امروزه سبب طلاق عاطفی و جدایی زن و شوهر می‌شود، به ناتوانی یک یا هر دو نفر در پذیرش و اجرای مسئولیت‌هایی برمی‌گردد که به‌عنوان همسر، پدر و مادر یا یک بزرگسال بر عهده آن‌ها گذاشته شده است (۷). در مجموع، صفات منش تکامل‌نیافته در تمامی اختلالات شخصیت دیده می‌شود. خودراهبری ضعیف، مشکلات مسئولیت‌پذیری، فقدان اهداف طولانی‌مدت، اعتمادبه‌نفس ضعیف و درگیری با هویت را توجیه می‌کند که به‌نوعی در زوجین متقاضی طلاق دیده می‌شود (۴).

باتوجه به نتایج، ازجمله ویژگی‌های شخصیت سرشتی مرتبط با طلاق عاطفی، نوجویی بود. نوجوها یا افراد دارای بی‌ثباتی هیجان و تکانشگری، همسران نامطلوبی در نظر گرفته می‌شوند؛ درحالی‌که افراد دارای ثبات و هیجان باز و بیانگر، دارای روابط شادتری هستند (۵). به این ترتیب می‌توان تنظیم هیجان را به‌عنوان اصلی مهم در تعیین کیفیت روابط قلمداد کرد. افراد تکانشگر در مواجهه با رویدادها به‌سرعت تعادل خود را از دست داده و بدون تفکر واکنش نشان می‌دهند. این افراد درمقایسه با سایر افراد به‌احتمال زیاد در فرصت‌ها و موقعیت‌های عاطفی و جنسی کنترل خود را از دست می‌دهند (۷).

برخی مطالعات وجود مشکلات روانی را در افراد دارای طلاق عاطفی و متقاضی طلاق نشان داده است (۱۰). در میان اختلالات روان‌شناختی عمده، افسردگی به‌طور وسیع‌تری بررسی شده و مشخص شده است، ارتباطی قوی با آشفتگی زناشویی دارد (۹). همچنین پژوهشگران ارتباطی قوی را میان اختلالات اضطرابی و آشفتگی زناشویی اثبات کرده‌اند. علاوه‌بر اختلالات روانی، مشکلات ارتباطی با بیماری‌های جسمانی نیز همبستگی دارد. افرادی که دارای روابط رضایت‌بخش و حمایت‌کننده هستند، احتمال کمی وجود دارد که مبتلا به بیماری سختی شوند و اگر هم بیمار شوند سریع‌تر بهبود می‌یابند (۱۱).

سرشت که اساس وراثتی در هیجان‌ها و یادگیری‌ها دارد و از طریق رفتارهای هیجانی و خودکار به‌عنوان عادت‌های مشهود در اوایل زندگی فرد دیده می‌شود (۷)، تقریباً در تمام طول زندگی ثابت باقی می‌ماند. منش که به خودپنداره و تفاوت‌های فردی در اهداف، ارزش‌ها و انتخاب‌های فرد در معنای تجربه او در زندگی برمی‌گردد، تا اندازه‌ای متأثر از یادگیری اجتماعی فرهنگی در طول زندگی رشد می‌کند و بیشتر تحت تأثیر عوامل محیطی در ساختار شخصیتی فرد است و در بروز اختلالات و آسیب‌های روانی نقش دارد. به‌طبع این عوامل (فردی، تعاملی، فرهنگی) نقش مهم و درخور توجهی در میزان وابستگی عاطفی زوج‌ها ایفا می‌کنند. به‌عبارت‌بهرتر، خصوصیات شخصیتی و آسیب‌های روانی می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر وابستگی عاطفی زوج‌ها اثرگذار باشد (۵). از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به ابزار گردآوری داده‌ها، استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس و محدودبودن به زوجین شهر بابل اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود به‌منظور پیشگیری از طلاق عاطفی و آثار آن، گسترش فرهنگ مشاوره قبل از ازدواج برای انتخاب مناسب همسر از لحاظ شخصیتی و سلامت روانی و همچنین

استحکام روابط زوجین، ارائه مشاوره و ارائه اطلاعات و آموزش‌های مناسب برای خانواده‌ها در زمینه بهبود و رضایت زناشویی صورت گیرد.

## ۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، سرشت و منش با میانجیگری آسیب‌پذیری روانی بر طلاق عاطفی تأثیر دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای متخصصان حیطه‌های روان‌شناسی و مراکز دادگستری مفید باشد.

## ۶ تشکر و قدردانی

از تمامی زوجینی که در این پژوهش محققان را یاری کردند، نهایت تشکر و قدردانی می‌شود.

## ۷ بیانیه‌ها

### تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

تمامی افراد به شکل کتبی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده می‌شوند. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان

ثبت نشد.

### رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

### در دسترس بودن داده‌ها و مواد

بخشی از داده‌ها نظیر اطلاعات مربوط به پیامد اصلی یا امثال آن امکان اشتراک‌گذاری دارد.

### تضاد منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی بین نویسندگان وجود ندارد. این مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج است. همچنین مجوز اجرای پژوهش حاضر روی گروه مطالعه‌شده از مراکز مشاوره اداره دادگستری شهر بابل با شماره نامه ۱۵۴ صادر شده است.

### منابع مالی

تأمین منابع مالی از هزینه‌های شخصی بوده و توسط هیچ نهاد یا سازمانی تأمین نشده است.

### مشارکت نویسندگان

نویسنده اول داده‌های به دست آمده را آنالیز و تفسیر کرد. نویسنده دوم، در نگارش نسخه دست‌نوشته همکار اصلی بود. همه نویسندگان نسخه دست‌نوشته نهایی را خواندند و تأیید کردند.

## References

1. Akbari E, Azimi Z, Talebi S, Fahimi S. Prediction of couples' emotional divorce based on early maladaptive schemas and emotion regulation's components. *Clinical Psychology and Personality*. 2017;14(2):79–92. [Persian] <https://dx.doi.org/10.22070/14.2.79>
2. Sodani M, Karimi S, Shirali Nia K. The effectiveness of counseling with an emphasis on choice theory in reducing emotional divorce in couples. *Family Psychology*. 2017;3(2):83–92. [Persian]
3. Deldadeh M, Moaveneslami S. The effectiveness of reality therapy-based interventions on improving marital adjustment among couples suffering from emotional divorce. *Journal of Psychology New Ideas*. 2020;5(9):1–10. [Persian] <http://jnip.ir/article-1-318-en.html>
4. Josefsson K, Jokela M, Cloninger CR, Hintsanen M, Salo J, Hintsala T, et al. Maturity and change in personality: Developmental trends of temperament and character in adulthood. *Dev Psychopathol*. 2013;25(3):713–27. <https://doi.org/10.1017/S0954579413000126>
5. Bajraktarov S, Novotni A, Arsova S, Gudeva-Nikovska D, Vujovik V. Character and temperament dimensions in subjects with depressive disorder: impact of the affective state on their expression. *Open Access Maced J Med Sci*. 2017;5(1):64–7. <https://dx.doi.org/10.3889/oamjms.2017.012>
6. Yaghoubi G, Homayouni A, Yarahmadi Y, Moradi O. Structural modeling relations of temperament and character mediated by social network dependence with the amount of emotional divorce of women referred to counseling centers in Babol. *Sociological Studies of Youth*. 2019;10(35):107–24. [http://ssyj.baboliau.ac.ir/article\\_670249.html?lang=en](http://ssyj.baboliau.ac.ir/article_670249.html?lang=en)
7. Shirani S, Asli Azad M. Comparison of emotional processing, emotional failure, and cognitive adjustment of emotions in students with divorced and non-divorced parents. *Social Behavior Research & Health*. 2019;3(1):322–30. <http://dx.doi.org/10.18502/sbrh.v3i1.1036>
8. American Psychiatric Association. *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5)*. 5<sup>th</sup> edition. Arlington, VA: American Psychiatric Pub; 2013.
9. McKean J, Naug H, Nikbakht E, Amiet B, Colson N. Probiotics and subclinical psychological symptoms in healthy participants: a systematic review and meta-analysis. *J Altern Complement Med*. 2017;23(4):249–58. <https://doi.org/10.1089/acm.2016.0023>
10. Shujja S, Akram A, Holzapfel J, Randall AK. Perceived ex-husband rejection and psychological distress among Pakistani remarried women following divorce: does emotional intelligence moderate? *Curr Psychol*. 2020. <https://doi.org/10.1007/s12144-019-00601-6>

11. Nipp RD, El-Jawahri A, Moran SM, D'Arpino SM, Johnson PC, Lage DE, et al. The relationship between physical and psychological symptoms and health care utilization in hospitalized patients with advanced cancer: symptoms and health care utilization. *Cancer*. 2017;123(23):4720–7. <https://doi.org/10.1002/cncr.30912>
12. Slanbekova G, Chung MC, Abildina S, Sabirova R, Kapbasova G, Karipbaev B. The impact of coping and emotional intelligence on the relationship between posttraumatic stress disorder from past trauma, adjustment difficulty, and psychological distress following divorce. *J Ment Health*. 2017;26(4):334–41. <https://doi.org/10.1080/09638237.2017.1322186>
13. Leustek J, Theiss JA. Family communication patterns that predict perceptions of upheaval and psychological well-being for emerging adult children following late-life divorce. *Journal of Family Studies*. 2020;26(2):169–87. <https://doi.org/10.1080/13229400.2017.1352531>
14. Cangur S, Ercan I. Comparison of model fit indices used in structural equation modeling under multivariate normality. *J Mod App Stat Meth*. 2015;14(1):152–67. doi: [10.22237/jmasm/1430453580](https://doi.org/10.22237/jmasm/1430453580)
15. Mohammadi F, Jokar Kamalabadi M, Golestaneh M. Sakht, tahlil ameli va hanjar yabi azmoon talaghe atefi [Construction, factor analysis and standardization of Emotional Divorce Questionnaire]. *The Women and Families Cultural-Educational Journal*. 2017;12(39):83–105. [Persian] [https://cwfs.ihu.ac.ir/article\\_201713.html?lang=en](https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201713.html?lang=en)
16. Cloninger CR, Przybeck TR, Svrakic DM, Wetzel RD. *The Temperament and Character Inventory (TCI): a guide to its development and use*. First edition. St Louis, Mo: Center for Psychobiology of Personality, Washington University; 1994.
17. Kaviani H, Poor Naseh M. Validation of Temperament and Character Inventory (TCI) in Iranian sample: normative data. *Tehran Univ Med J*. 2005;63(2):89–98. [Persian] <http://tumj.tums.ac.ir/article-1-1033-en.html>
18. Najarian B, Davoodi I. Sakht va etebar yabi SCL-25 (forme kootah moddat SCL-90–R [Construction and validation of a short form of The Scl-90-R (Scl-25)]. *Journal of Psychology*. 2001;5(2):136–49. [Persian]
19. Hosnavi Z, Saed O, Zenozi S. The effectiveness of the cognitive behavioral group therapy based on Edinger and Carney's protocol on insomnia and bedtime procrastination in patients with insomnia. *J Sleep Sci*. 2018;3(3-4):68–74.
20. Sahebdel H, Zahrakar K, Delavar A. Path analysis of the effectiveness of personality traits, communication attributes, and cultural contexts in couples emotional belonging. *Journal of Counseling Research*. 2016;15(57):4-23. [Persian] <http://irancounseling.ir/journal/article-1-438-fa.html>